

## توسل به بیگانه و پی آمد های آن

### در افغانستان و ایران

#### توافقنامه امنیتی آمریکا و افغانستان

امیر فیض- حقوقدان

لابد خوانندگان این تحریر همانند خود بنده پیش خود خواهند گفت: <خوشا باغی که شغال از آن قهر کرده باشد> و چه بهتر که نیروهای نظامی آمریکا و خارجیان افغانستان را ترک کنند، آیا ده سال اشغال نظامی افغانستان و آنهمه فجایع و خسارات و کشتار مردم افغان و قاچاق هروئین توسط نظامیان آمریکا کم بود و امنیت افغانستان تامین شد که حالا توقع دارند که مردم افغانستان برای ادامه اشغال نظامی و سیاسی کشورشان باج تازه ای بنام قرارداد به آمریکا بدهند؟

ولی برداشت ما احساساتی و دستی از دور براتش داشتن است. و اگر درست در بیان موضوع که از جانب سخنگوی وزارت خارجه آمریکا عنوان شده <در نبود یک توافقنامه دوجانبه، نیروهای امنیتی افغانستان باید در تامین امنیت مردم افغانستان کاملاً به خود متکی باشد ایالات متحده از افغانستان خارج خواهد شد و اکثریت و اگر نه همه نیروهای ایساف (ISAF)

( = International Security Assistance Force )

هم همین کار را خواهند کرد، آمریکا معتقد است هنر قدرتهای تروریستی در افغانستان قوی هستند و میتوانند امنیت مردم افغان را به خطر بیاندازند. آمریکا سرمایه گذاری فراوانی

دیروز پنجشنبه متن توافقنامه امنیتی آمریکا و افغانستان در مجمع لویه جرگه افغانستان مطرح شد اهمیت مواد آن توافقنامه و همچنین پیامدهای حاصله از آن بمناسبت اهمیتی که در رابطه با نقش ایرانیانی که توسل به بیگانه را برای رفع مشکلات ایران و در کلام آشنای آنها نجات ایران و برقراری دموکراسی میدانند، دارد این تحریر در مقام الویت ادامه بحث (جنگ شورا باشورا) قرار گرفت.

**ظریف ترین موضوع، مسئله ارتباط موافقتنامه با خروج ارتش آمریکا از افغانستان است.**

ممکن است بظاهر این تصور بروز کند که آمریکا شرط خروج نظامی خود را از افغانستان که در پایان سال ۲۰۱۴ اعلام کرده مشروط به امضای موافقت نامه ساخته است، ولی خیر این تصور نادرست است بلکه مبنای توافقنامه مزبور و فشاری که آمریکایی ها برای تنظیم قرارداد مزبور دارند بر این پایه است که اگر قرارداد مزبور را افغان ها قبول نداشته باشند، آمریکا و متحدان آن بکل از افغانستان خارج خواهند شد و امنیت افغانستان بر عهده دولت افغان خواهد بود.

در افغانستان کرده و خون و پول زیادی رافدای این کشور کرده و نسبت به افغانها احساس تعهد میکند (خانم براون از موسسه بروکینگز بنقل از وزارت خارجه آمریکا).

دقت کنیم وبه خصوص به قسمت >هنور قدرتهای تروریستی که بتواند امنیت مردم افغان را تهدید کند>، حساس بشویم و بیاد بیاوریم که در عراق هم آمریکانیها در مقابل مخالفت عراقیها برای دادن پایگاه نظامی به آمریکا، همین جمله رابکار بردند و گفتند >با خروج آمریکا از عراق فعالیت تروریست ها بیشتر خواهد شد< و دیدیم که چنین هم شد یعنی گروههای تروریستی وابسته به عربستان سعودی به نیابت از آمریکا وارد عراق شدند و روزی نیست که چند اتومبیل انتحاری دست کم سی و تا پنجاه غیرنظامی و نظامی عراقی را نکشند، نتیجه مخالفت دولت عراق با قرارداد امنیتی با آمریکا بود.

برای توجه به وسعت عملیات تروریستی نیابتی از سوی آمریکا کافی است به یکی از فرماندهان نظامی عراق که در سایت خودش نوشت؛ تاکنون تعداد عربهایی که خود را در عراق منفجر کرده اند به ۴۰۰۰ نفر میرسد - اشاره کرد- دفتر سازمان ملل متحد در عراق اعلام کرد که در ماه آگوست ۲۰۱۳ تعداد ۳،۱۶۲ عراقی در اثر عملیات تروریستی کشته شده اند.

هادی محمدی فریخ روزنامه نویس عراقی نوشته است که موج ترور و خشونتها و عملیات انتحاری به مجرد خروج آمریکانیها از عراق آغاز شد و هنوز بشدت ادامه دارد.

آنچنان نخست وزیر عراق گرفتار این مشکل است که علت سفرش به آمریکا و ملاقات با باراک

اوباما را کمک برای جلوگیری از اقدامات تروریستها اعلام کرد (توسل مظلوم به ظالم).

افغانستان و حکومت آن کاملا متوجه این تهدید هستند خاصه که می بینند آمریکا وانگلستان در تلاش ایجاد رابطه و نزدیکی با طالبان میباشد.

**حاشیه** - سایت آمریکائی >دیلی بیست dailybeast< نوشت >رئیس سازمان امنیت عربستان آقای بندر بن سلطان، سالها سفیر عربستان در آمریکا بوده است او خطرناکترین شخصیت در خاورمیانه است و رهبری تمام نا آرامی های کشورهای خاورمیانه را بر عهده دارد - سایت اینتلجنس آنلاین فرانسوی هم گفت که شاهزاده بندر بن سلطان برای حمایت از جیش العدل ۵۰۰ میلیون دلار بودجه اختصاص داده است (جیش العدل همان گروه تروریستی است که جنایات اخیر بلوچستان ایران را بر عهده گرفت) پایان حاشیه.<sup>۱</sup>

## آمریکا چه میخواهد و چه میدهد

### اول - پایگاه نظامی

آقای رنگین دادفر اسپنتا مشاور امیتی کرزای در ۱۶ نوامبر سال جاری گفت:

>آمریکا فقط یک پایگاه نظامی دائم در بگرام میخواهد علاوه بر آن این نیروها از بخشی از فرودگاه کابل در مرکز - مزار شریف در شمال - قندهار در جنوب - هرات در جنوب غرب - شیندر در جنوب غرب - درهیلند - گردریز در جنوب شرق - جلال آباد در شرق افغانستان استفاده خواهند کرد.

<sup>۱</sup> ولادیمیر پوتین قرار گرفت. او در حال حاضر ریاست سازمان امنیت عربستان سعودی را هم عهده دار است. ح-ک

<sup>۱</sup> - بندر بن سلطان در ارتباط نزدیک با موساد است و چندی پیش که برای پیدا کردن راه حل به مسکو سفر کرده بود مورد بی مهری آقای

آقای داد فر اسپنتا اضافه کرد که >احترام به حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و استقلال افغانستان از مفاد این قرارداد است و علاوه بر آن دولت آمریکا به قانون اساسی عنعنات، فرهنگ و دین و سایر ارزش های این خاک نیز باید احترام بگذارد.

**این مقدمه قرارداد امنیتی آمریکا و افغانستان کاملاً شبیه ماده اول قطعنامه شورای به اصطلاح ملی است.**

قرارداد امنیتی، تمام فرودگاه های کشور افغانستان را تحت کنترل پایگاه نظامی آمریکا در میاورد تازه قرارداد صحبت از احترام به حق حاکمیت و استقلال افغانستان را هم دارد دقیقاً قطعنامه شورا که در ماده اول تضمین استقلال و تمامیت ارضی کشور را نوشته و در ماده ۱۱ رضایت به تجزیه کشور را اعلام کرده است.

## دوم - مصونیت قضائی

دومین خواست مصرانه آمریکا مصونیت قضائی نظامی آمریکا در کشور افغانستان است یعنی برقراری کابینتولاسیون.

آمریکا مدعی است در همه کشورهای که پایگاه نظامی دارد (آمریکا ۹۰۰ پایگاه نظامی در کشورهای مختلف جهان دارد) از مصونیت قضائی هم استفاده میکند.

## حاشیه - اصل دول کاملت الوداد در حقوق بین

الملل حکم میکند در صورت مصونیت قضائی برای سربازان آمریکائی مقیم افغانستان همه نیروهای خارجی (ایساف ISAF) در آن کشور هم از مصونیت قضائی بهره مند خواهند شد. (پایان حاشیه)

آمریکائیها به مسئله مصونیت قضائی در افغانستان بسیار اهمیت میدهند و حتی گفته شده که علت ترک عراق از سوی آمریکا مخالفت پارلمان عراق با مصونیت قضائی سربازان آمریکا بود و الا سایر موارد قابل حل بود >نیویورک تایمز<.

مصونیت قضائی به خارجیان مقیم کشورهای اسلامی مخالف قانون اسلام نیست و اسلام اجازه داده که پیروان ادیان مختلف طبق قوانین مذهب خودشان محاکمه شوند ولی حقوق مدون و مدرن، تفویض حق مصونیت قضائی به افراد خارجی را از مصادیق کامل تجاوز و تحدید حق حاکمیت ملی میشناسد.

در قرارداد ترکمانچای که کابینتولاسیون به ایران تحمیل شد در همان قرارداد هم احترام حاکمیت ملی ایران تصریح شده است در قرارداد ۱۹۰۷ که ایران بین روسیه و انگلستان تقسیم شد هم این جمله شاعرانه پیاده شده و باز در قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله که ایران در بست به انگلستان فروخته شد هم آمده است، چنانکه در موافقتنامه امنیتی آمریکا و افغان هم عنوان شده است و باز چنانکه در قطعنامه شورای به اصطلاح ملی هم عنوان شده است.

این اشارت برای آنهایی است که میگویند در ماده اول قطعنامه شورای به اصطلاح ملی!، استقلال و تمامیت ارضی ایران تضمین شده است نباید نگران ماده ۱۱ بود.

## سوم - عدم مصونیت منازل مردم افغانستان

این درخواست آمریکا که سربازان آمریکائی مقیم افغانستان حق داشته باشند در صورت لزوم وارد منازل مردم افغان بشوند هیچ سابقه ای در

روابط کشورها ندارد برای اولین بار است که از سوی آمریکا مطرح شده و در کنار مصونیت قضائی سلب مصونت منازل و خانواده های افغانستان حقیقتا برای آمریکا تا چه رسد به افغانستان شرم آور است.

ممکن است درخواست آمریکا مبنی بر عدم مصونیت منازل مردم افغان بروی سربازان آمریکائی یک سختگیری حساب شده ای باشد برای تحمیل مصونیت قضائی به افغانستان و گرنه قابل قبول نیست که کشوری چنین درخواستی از کشوردیگری بنماید و اینطور آشکارا نقض اعلامیه جهانی حقوق بشر را از کشوردیگری خواستار شود.

خودپرسی کنید واقعا چه میشود که سربازان خارجی یک کشور آنهم در زمان صلح حق داشته باشند که بهر خانه ای که مظنون باشند وارد شوند چه هنگامه ای و چه برباد دادن شرافت و ناموس مردم است؛ برای ملتی که هر چیز نداشته باشد غیرت و تعصب به ناموسش را دارد؛ حضور چند سرباز نره خر متجاوز را کنار رختخواب خود و زن و فرزندانش ببیند در حالیکه عمل تجاوز آنها هم موازی قرارداد امنیتی است؟

**عجب واقعا قرارداد امنیتی؟ که در معنا**

### قرارداد بی ناموسی است.

در افغانستان حتی یک مورد دیده نشد که مردم افغان اشتیاقی به استقبال از سربازان آمریکائی در خانه هایشان دیده شود ولی یادمان نرود که آقای قاضی سعید در عصر امروز نوشت ۹۵

درصد ایرانیان حاضرند به سربازان آمریکائی که ایران را اشغال میکنند خانه و غذا بدهند.<sup>۲</sup>

**برای آمریکائی ها وقتی فکر عدم مصونیت منازل و حریم ناموس مردم افغان مطرح شد که مطبوعات ایرانی لوس آنجلس در پی اعلام قاضی سعید هیچ اعتراض نکردند و آمریکائی ها به این فکر افتادند که وقتی یک روزنامه نگار معروف ایران با آن ملت و سابقه تاریخی کشورش چنین درخواستی را از آمریکائی ها دارد چرا مردم افغان ناراضی باشند.**

باز فراموش نکنیم که در کنار جریان مزبور یعنی عدم مصونیت حریم خانواده و ناموس مردم افغان آقای دادفر اسپینتا مشاور امنیتی کرزای که بخش کلی قرارداد امنیتی را خواند گفت؛ آمریکا به فرهنگ و دین و سایر ارزشهای مردم افغانستان باید احترام بگذارد.

ملاحظه میفرمائید که احترام گذاشتن به فرهنگ و دین و سایر ارزشهای مردم افغان چگونه با این خواست آمریکائیها هماهنگ است! و چگونه رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر از ناحیه آمریکا در این موافقت نامه منظور شده است!

باری کرزای گرچه در ۲۸ نوامبر سال جاری با پیشنهاد مزبور (حق ورود سربازان آمریکائی به خانه های مردم) که آمریکا مصرانه بدنبال آن هستند اعلام مخالفت کرد (روزنامه نیویورک تایمز) ولی دورروز قبل از تشکیل جلسه لویه جرگه، کرزای نامه ای را از باراک اوباما خواند که متن آن چنین است:

۲ - اگر شرافت نیست تاریخ در پیش روی ما هست، در پی وارد شدن آمریکا به کره جنوبی، و ویتنام، میزان فحشا و میزان فساد جنوبی رفع نشده است. (۱۹۵۰-۱۹۵۳) ح-ک

۲ - اگر شرافت نیست تاریخ در پیش روی ما هست، در پی وارد شدن آمریکا به کره جنوبی، و ویتنام، میزان فحشا و میزان فساد



گفتم ای کاش یک موی بدن آن خانم افغانی در سر این امضا کنندگان بی پروای ماده ۱۱ بود که آنقدر بی خیال و بی فکرند (پایان)

### توسل به آمریکا

اساساً انتصاب کرزای به ریاست جمهوری افغانستان از سوی آمریکا برای رسیدن به همین خواسته ها بوده است. کرزای با تشکیل لویه جرگه و این نمایشات میخواهد مسیر قرارداد امنیتی را محکم سازد و گرنه اساساً هر شخصی که به خارجی‌ان متوسل شد و به کمک آنها به اقتدار و حکومت رسید نمیتواند جبران ایام توسل را نماید، زیرا طرف متوسل اگر شخص حسابگری باشد و یا یک کشور باشد بی گذار به متوسل در مانده کمک و حمایت نمیکند جای پای خودش را برای آینده حفظ و سفت میکند

توسل به معنای دست به دامان شدن از سر بیچارگی است وضعیت بیچارگی و نجات از آن توسط ثالث یک رابطه نوکری و اطاعت بی چون و چرا بوجود می‌آورد که شخص بیچاره که به نجاتی رسیده نمیتواند شخصیتی بغیر از نوکری

حما در گذشته و به خصوص در این اواخر تلاشهای خود را دوبرابر کرده ایم تا به مسئله مصونیت و محرمیت خانه های مردم در افغانستان احترام گذاشته شود مابه تلاشهای خود برای رعایت وقار و حرمت مردم افغانستان در خانه هایشان همانگونه که به وقار مردم آمریکا احترام می‌گذاریم ادامه خواهیم داد< (بی - بی - سی ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳)

آقای کرزای قبلاً از آمریکا خواسته بود که بمناسبت تجاوز به حقوق مردم و خاصه منازل و حیثیت افغان ها توسط ارتشیان آمریکا عذر خواهی کند ولی خانم سوزان رایس گفت؛ <لازم نیست که آمریکا از افغانستان عذر خواهی بکند و اگر هم لازم بشود این افغانستان است که باید عذر خواهی بکند>

ظاهراً باین نامه آقای باراک اوباما که فاقد ارزش و اعتبار حقوقی است تصور میشود که کرزای میخواهد مردم بینوای افغانستان را به این ننگ بی سابقه، در کنار مصونیت قضائی آلوده سازد.

هر چند خبرگزاریها اعلام کردند که در جلسه لویه جرگه <خانمی از میان مدعوین با بلند کردن پلاکارتی فریاد کرد که قرارداد امنیتی وطن فروشی است> و این حرکت میهنی آن خانم بارزه امیدی است به مقاومت مردم افغان در مقابل قرارداد بی ناموسی که نام حقیقی برای قرارداد امنیتی است.

حاشیه = وقتی خبر بالا را شنیدم بی اختیار به آن خانم آفرین ها نثار کردم و متقابلاً ننگ و نفرت به کسانی که قطعنامه شورای قلابی متضمن ماده ۱۱ آنرا امضا کرده اند فرستادم و پیش خود

و اطاعت از ناجی خود راداشته باشد و استثنای آن بسیار اندک است.

**همین ایرانیان خارج از کشور که سالهاست متوسل به آمریکا هستند. نجات ایران، تامین دموکراسی و آزادی و حتی انتخابات آزاد را از آمریکائیا میخواهند، توسل از نوع بیچارگی است که همراه با خود فروشی شکل یافته است و نمیتواند از خود فروشی و خیانت جدا گردد.**

کرزی حتی یک صدم توسلی که بخش ایرانیان خارج از کشور به بیگانگان خاصه آمریکا دارند نداشت و این چنین در تارهای غیرقابل نجات حاصل از توسل گرفتار است و ای به حال این حضرات ایرانی که سی سال است قبله آمل و نجات آنها آمریکا و اخیرا هم اسرائیل است.<sup>۳</sup>

**آخرین خبر =** با پا عقب زدن و بادست پیش کشیدن:

همین امروز خبرگزاری ها خبر دادند از ائتیماتوم آمریکا به کرزی که باید کرزی قرارداد امنیتی را تا پایان سال جاری یعنی چند هفته دیگر امضا کند با آنکه قانون افغانستان مسیر رسمیت قرارداد را منوط به تصویب لویه جرگه و مجلس و امضای رئیس جمهوری میداند و بالطبع زمان بردار است آمریکائی ها با بکار بردن واژه باید امضای آخرین مسیر را خواهند.

فراموش نکنیم که آمریکائی ها در ابتدای باصطلاح مذاکره در باب موافقتنامه امنیتی گفتند که آمریکا اصراری به قرارداد ندارد و مردم و

کنگره آمریکا ترجیح میدهند که آمریکا بجای سرمایه گذاری در افغانستان به وضع اقتصادی و مردم خودش برسد و اکنون آنها که با پا پس میزدند با دست و آنهم همراه تهدیدی پیش میکشند.

### برویم دنبال قرارداد امنیتی

بحث درباره ارزش و اعتبارنامه منتسب به باراک اوباما در مسیر این تحریر نیست؛ ولی همین اشاره کافی است که نامه مزبور یک تعارف است، فاقد مراتب تعهد آمیز میباشد و بکار رفتن واژه تلاش خواهیم کرد، لوث کردن قاطعیت است و اساسا در نامه مزبور از خودداری و محکوم ساختن اقدامات سابقه سربازان آمریکائی در شکستن حریم منازل و ورود سربازان آمریکائی به خانواده های مردم افغان صحبتی نشده و نکته جالب در نامه مزبور تائید و اقرار دولت آمریکا به تجاوز به حریم خانواده ها در گذشته و حتی همین اواخر است بدون آنکه آنرا محکوم و یا عذرخواهی کرده باشد. در این صورت عملی که از نظر آمریکا قبیح شناخته نشده چگونه ممکن است آمریکا خود را متعهد به جلوگیری از آن بنماید و انگهی نامه رئیس جمهور آمریکا ابداء تعهد کشور آمریکا محسوب نمیشود.<sup>۴</sup>

برای بی اعتباری این نامه همین بس که قوانین ارتش آمریکا و نیز کنوانسیون بین المللی جنگ مصونیت منازل و حریم خانواده های ساکنان شهرهای اشغال شده را محترم شمرده است در این صورت نامه باراک اوباما که یک تعارف و تمایل شخصی تلقی میشود چه تاثیری در مقابل قوانین ارتش آمریکا و کنوانسیون ژنو که مورد

<sup>۳</sup> - عربستان سعودی پولش را میدهد. اسرائیل و آمریکا طرح توطئه هارا فراهم میکنند و مجریان گوش به فرمان هم ماده ۱۱ را جا اندازی میکنند.. ح-ک

<sup>۴</sup> - در جاییکه در قانون اساسی آمریکا گنجانده اند خانه حریم اشخاص است و داشتن اسلحه و دفاع از این حریم را بر اساس قانون میتوان مبری از مجازات دانست ولی در کشور های دیگر تجاوز به حریم خصوصی مردم را از حقوق دولت آمریکا قلمداد میکنند. ح-ک

عمل و اجرای ارتش و دولت وقوه قضائیه آمریکا  
 نیست دارد؟  
 بهرحال مختصرو فشرده اینکه قبول این خواست  
 آمریکائی ها جا کشی دولت افغانستان و نشانگر  
 بی ناموسی و بی غیرتی مردم آن کشور است.

### آمریکا چه به افغانستان میدهد

آمریکا موافقت دارد که سالیانه ۴/۵ میلیارد دلار به افغانستان کمک کند. بکاربردن واژه کمک به هیچوجه برای آمریکا ایجاد تعهد نمیکند اگر ذکر میشد که بابت اجازه و اجازه پایگاه های نظامی آمریکا درکشور افغانستان دولت آمریکا متعهد است سالیانه آن مبلغ را بپردازد یک تعهد قابل قبول بود ولی کمک حالت عقد هبه را دارد اجباری در انجام آن تاچه رسد به توالی آن وجود ندارد، بهمین دلیل هم وقتی کرزای از باراک اوباما خواست که مبلغ مزبور را بصورت تعهد سالیانه در آورد آقای باراک اوباما گفت دولت آمریکا کمک هارا سالیانه تصمیم میگیرد.

مقصود از کمک پول نقد نیست که هر سال آمریکا یک چک بانکی به دولت افغان بدهد بلکه کمک شامل هراقدامی است که بنظر کمک دهنده مطلوب و ممکن باشد، بنابراین آمریکا آنقدر حساب سازی خواهد کرد که افغانستان از باب هزینه های کمکی بدهکار هم خواهد شد نمونه آن عراق است که آمریکا خود را میلیارد ها دلار طلبکار میداند.

این است سرنوشت کشوری که مردان آن متوسل به بیگانگان میشوند. آری آمریکا سالب قدرت حکومتی طالبان شد، ولی به چه بهایی؟ به مصداق این بیت سعدی

گر از چنگال گرمم در بودی

چو دیدم عاقبت گرمم تو بودی

